سؤالات کوچک من

جدایی

کامی لوقانس ماگالی کِلَوله مطهره حیدری

پرتقال!

ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

سرشناسه: لورانس، کامی / Laurans, Camille
عنوان و نام پدیدآور: جدایی/
نویسنده کامی لوقانس؛ تصویرگر ماگالی کِلَوله؛ مترجم مطهره حیدری.
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۳۲ ص: مصور (رنگی).
فروست: سؤالات کوچک من.
شابک: دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۴-۲۰۶-۵؛ ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۴-۲۰۹-۶
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: Le divorce, 20.
یادداشت: گروه سنی: ب.
موضوع: کودکان طلاق -- داستان
موضوع: Children of divorced parant -- Fiction
موضوع: والدین و کودک -- داستان/ Parent and Child -- Fiction
موضوع: طلاق/ Divorce
شناسه‌ی افزوده: کلَوله، ماگالی، تصویرگر/ Clavelet, Magali
شناسه‌ی افزوده: حیدری، مطهره، ۱۳۶۹، مترجم
رده‌بندی دیویی: ۳۰۶/۸۹د۱
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۸۴۴۵۲۹۳
۷۲۲۱۹۰۱

انتشارات پـرتقـال
سؤالات کوچک من: جدایی
نویسنده: کامی لوقانس
تصویرگر: ماگالی کِلَوله
مترجم: مطهره حیدری
ویراستار: سارا طباطبایی
طراح جلد نسخه‌ی فارسی: نیلوفر مرادی
آماده‌سازی و صفحه‌آرایی:
مینا فیضی ـ زهرا گنجی ـ مهدیه عصارزاده
مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۴-۲۰۹-۶
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: ایماژ
قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

۳۰۰۰۶۳۵۶۴ ۰۲۱-۶۳۵۶۴ www.porteghaal.com kids@porteghaal.com

گردآوری شده
با توصیه‌های روان‌پزشکی
به نام آن مَنه

روبن در اتاقش نشسته است، گوش‌هایش را با دستانش گرفته تا صدایی نشنود، پدر و مادرش باز هم دارند دعوا می‌کنند، بابا داد می‌زند، مامان داد می‌زند. دیگر بس است!

پدر و مادرت هم گاهی درست مثل بچه‌ها با هم دعوا می‌کنند. خوشبختانه وقتی دعوا به پایان برسد، این **خشم و عصبانیت** خیلی زود فروکش می‌کند...

ولـی روبـن نگران اسـت: پـدر و مادرش خیلی بـا هم دعوا می‌کنند و او احسـاس می‌کند بین آن‌دو هیچ‌وقت صلح و دوستی برقرار نخواهد شد.

امروز صبح مامان و بابا در سالن پذیرایی منتظر روبن هستند، آن‌ها می‌خواهند در مورد موضوعی با او صحبت کنند.

مامان شروع می‌کند: «می‌دانی من و بابایت همدیگر را خیلی دوست داشتیم، ولی امروز دیگر این‌طور نیست و دیگر نمی‌توانیم با هم زندگی کنیم.»

بابا ادامه می‌دهد: «به‌همین‌خاطر ما تصمیم گرفتیم از هم **جدا شویم**.»

وقتی پدر و مادرها از هم جدا می‌شوند به این معناست که آن‌ها دیگر **به قدر کافی یکدیگر را دوست ندارند** تا بتوانند در یک خانه کنار هم زندگی کنند.

بعد از این گفتگو، گاهی ابری از **غصه و ناراحتی** بالای سر روبن می‌آید و او را غمگین می‌کند. ابر بی‌صدا می‌آید...
این ابر خاکستریِ خاکستری است.

روبن از خودش می‌پرسد: آیا تقصیر اوست که پدر و مادرش از هم جدا می‌شوند؟